

## خلاقیت

چگونه می توان خلاقیت را ساخت و همچنین چگونه آن را شناخت. «ساختن خلاقیت» عبارتی متناقض می نماید. اگر چنین باشد «شناختن خلاقیت» هم بالاخره متناقض می شود. یک روز درست قبل از شروع کلاس به دو دانشجو که همیشه خیلی با ظرافت و پهلوی هم می نشستند رو کردم و پرسیدم به نظر شما آیا می شود دو بار عاشق شد و بی درنگ و با قاطعیت شنیدم بله. پاسخی که هرگز از آن مطمئن نیستم. یا شاید باید بگویم که باورکردنش تمرین می خواهد. در هرصورت قاطعیت پاسخ چنان بود که تاثیر می گذاشت.

قرار بود در این درس به دانشجویها کمک کنم که بهتر مقاله بنویسند. و خب مقاله خوب یعنی که بشود خلاقیت را در جمله ها حس کرد.

به چیزی به نام ام&ام هم رو آورده بودم. وای که بحث درباره اش چقدر لذتبخش بود. در قسمتی از بحث ناگهان خودم را میان اسمش را بگذاریم گفتمانی با دانشجویی یافتم که لباسی سیاه و درازامنش می پوشید. از دستم عصبانی و کلافه شده بود. بالاخره گفتم خودم میدونم خودم بهشون گوش دادم. او با ابروهای گره خورده و من با ابروهای معلق مانده در خنده کلاس غرق شدیم.

پیش بینی ناپذیری عنصری است که هم در ساختن خلاقیت نقش دارد و هم در شناختن خلاقیت.

و ای بسا این ساختن و شناختن همزمان هم رخ دهد.

همه با هم اند و هم این یعنی تناقضی نیست.

و عمرها چندان طولانی نیستند. به کلاس درس نیاز داریم حتما.

کلاه چی